

پیام نهم

داوری خدا بر مصر و بابل

مطالعه متون مقدس: ارمیا ۴۶: ۲-۲۸؛ ۵۰: ۱، ۸-۱۶؛

۵۱: ۶-۹، ۲۴-۲۵، ۲۸-۳۷، ۴۴-۴۵، ۵۸-۶۴

۱. کتاب ارمیا یک تصویر را از آمدن خدا به جهت تنبیه و داوری امتها، که نمایانگر جوانب دنیاست، ارائه می دهد - ۴۶: ۲؛ ۴۷: ۱؛ ۴۸: ۱؛ ۴۹: ۱، ۷، ۲۳، ۲۸، ۳۴، ۵۰: ۱؛

آ. ارمیا در سخنانش درباره امتها، اول به مصر (۴۶: ۲-۲۸) و از آخر به بابل (باب‌های ۵۰-۵۱) اشاره می کند:

۱. این نشان می دهد که، در نظر خدا، دنیا در وهله اول مصری و سپس بابلی است.

۲. بر طبق آن تصویر در کتاب ارمیا، آخرین امتی که داوری می شود بابل است؛ وقتی خدا بابل را داوری کند، داوری او بر امتها کامل خواهد شد.

ب. برای به انجام رساندن اقتصاد خدا، کلیسا، همان برگزیدگان خدا در عهد جدید، باید از هر لحاظ از دنیا جدا شوند - یوحنا ۱۷: ۱۴، ۱۶؛ رومیان ۱۲: ۲؛ اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷.

۲. ارمیا ۴۶: ۲-۲۸ درباره داوری خدا بر مصر می گوید:

آ. مصر نماد دنیا در حال امرار معاش و لذات است، که شیطان، رئیس دنیا، که فرعون حاکم مصر نماد اوست، آن را اشغال کرده و مردمی که خدا برای اقتصادش برگزیده را غصب می کند - پیدایش ۱۲: ۱۰، ۴۱: ۳-۵۷؛ اعداد ۱۱: ۴-۶؛ عبرانیان ۱۱: ۲۵؛ یوحنا ۱۲: ۳۱؛

۱. کشور مصر نشانگر پادشاهی تاریکی و اقتدار تاریکی است - کولسیان ۱: ۱۳؛ متی ۱۲: ۲۶.

۲. دنیا منشأ لذت نیست بلکه محل ستمگری است، و هر جنبه از دنیا شکلی از استبداد است - غلاطیان ۴: ۸.

۳. شیطان در دنیا مردم برگزیده خدا، همان کسانی که برای تحقق بخشیدن مقصود خدا معین شدند را تحت دست غاصب خود نگاه می دارد - افسسیان ۲: ۲؛ لوقا ۱۳: ۱۱-۱۲؛

(آ) وجود داشتن، یک موضوع است، ولی وجود داشتن برای مقصود الهی، موضوع دیگری است - رومیان ۸: ۲۸؛ افسسیان ۱: ۱۱؛ ۳: ۱۱؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹.

(ب) شیطان مردم را غصب کرده است تا آنها فقط به موجودیت خودشان و نه برای مقصود خدا در موجودیت ایشان، اهمیت دهند - متی ۶: ۲۵؛ ۳۱-۳۳.

۴. یک جنبه از مقصود خدا در فراخواندن ما این است که از ما استفاده جوید تا دیگران را از غصب و ستمگری شیطان و دنیا بیرون آورد - اعمال ۲۶: ۱۸؛ افسسیان ۳: ۹.

ب. دنیا یک سازماندهی شرور است که توسط شیطان با روشی معین ترتیب داده شده است - اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷؛ یعقوب ۴: ۴؛

۱. خدا انسان را آفرید تا برای تحقق مقصود او [خدا] بر روی زمین زیست کند، ولی دشمن او، شیطان، برای غصب انسان خلق شده توسط خدا، یک سازماندهی ضد-خدا را توسط ترتیب دادن مردم، با فرهنگ، تحصیلات، صنعت، تجارت، سرگرمی، و مذهب، بر روی زمین شکل داد - افسسیان ۳: ۱۱؛ پیدایش ۱: ۲۶-۲۸؛ ۲: ۸-۹؛ ۴: ۱۶-۲۴.

۲. همه چیز بر روی زمین، بخصوص چیزهایی که به نوع بشر مربوط است، و همه چیز در هوا، توسط شیطان در پادشاهی تاریکی او ترتیب داده شده تا مردم را اشغال کرده، و در به انجام رساندن مقصود خدا درمانده سازد، و آنها را از مسرت خدا منحرف کند - اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷.

۳. دنیا بر ضد خدای پدر است، امور دنیا بر ضد اراده خداست، و کسانی که دوستداران دنیا می باشند دشمنان خدا هستند - آ. ۱۷-۱۵؛ یعقوب ۴: ۴.

۴. «تمامی دنیا»، همان سازماندهی شیطانی، «در آن شریر لمیده است» - اول یوحنا ۵: ۱۹؛

- (آ) «تمامی دنیا» متشکل است از سازماندهی شیطانی دنیا و مردم دنیا، نسل بشر سقوط کرده.
- (ب) «لمیده» یعنی از روی بی ارادگی در حوزه غصب و دغلكاری آن شریر باقی ماندن؛ تمامی دنیا و مردم دنیا از روی بی ارادگی تحت دست غاصب و دغلكار شیطان، آن شریر، لمیده است.
- (پ) کلمه یونانی برای "شریر" در اول یوحنا ۵: ۱۹، اشاره دارد به کسی که مهلك بوده، به طور آسیب رسان شریر است، کسی که بر دیگران اثر می گذارد، و موجب می شود آنها شرور و بدجنس باشند؛ چنین فرد شرور، شیطان، همان ابلیس می باشد که تمامی دنیا در او لمیده است.
۵. شیطان دنیای مادی و چیزهایی که در دنیا هستند را غصب می کند تا عاقبت همه چیز را در پادشاهی ضد- مسیح گرد آورد؛ در آن زمان سازماندهی دنیا به اوج خود رسیده است، و هر واحد از آن، به عنوان ضد- مسیحی آشکار خواهد شد - دوم تسالونیکیان ۲: ۳-۱۲.
۶. سازماندهی شرور دنیا، پادشاهی تاریک شیطان، توسط کار مسیح بر صلیب داوری شد - یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲؛ ۱۶: ۱۱:
- (آ) خداوند از طریق مرگ خود بر صلیب به شباهت جسم گناهکار، شیطان را که در جسم انسان است نابود کرد - رومیان ۸: ۳؛ عبرانیان ۲: ۱۴.
- (ب) خداوند با داوری شیطان بدین طریق، دنیا را نیز، که بر شیطان آویزان است، داوری کرد - یوحنا ۱۶: ۱۱.
- (پ) برافراشته شدن خداوند بر صلیب باعث شد که دنیا داوری شده، و رئیس آن، [یعنی] شیطان، بیرون افکنده شود - ۱۲: ۳۱-۳۲.

۳. ارمیا باب‌های ۵۰ و ۵۱ از داوری خدا بر بابل [بابلون] می‌گوید:

- آ. بابل [بابلون] (Babylon) از بابل (Babel) شروع شد - پیدایش ۱۰: ۸-۱۰:
۱. شیطان در بابل باعث شد که نسل بشر علیه خدا طغیان کند، بتها را بپرستد، و نفس انسان را بالا ببرد؛ پس بابل اصل و منشأ سرکشی انسان علیه خدا، پرستش بتها، و خود-بزرگ بینی انسان است - ۱۱: ۱-۹.
۲. ادامه بابل در بابلون بود، که در چشم خدا، همان کمال دولت بشری است - ارمیا ۵۰: ۱؛ دانیال ۲: ۳۲-۳۴:
- (آ) نبود کدنصر، پادشاه بابلون، حتی با شیطان به عنوان تجسم شیطان شناسایی شد - اشعیا ۱۴: ۴، ۱۱-۱۵.
- (ب) بابلون شهر مقدس خدا و معبد خدا را نابود کرده، و مردم مقدس خدا و ظروف معبد خدا را به اسارت برد - دوم تواریخ ۳۶: ۱۷-۲۰.
- ب. در مکاشفه باب‌های ۱۷ و ۱۸، امپراطوری روم بازسازی شده، به نام بابل* بزرگ خوانده می شود که دو جنبه دارد - مذهبی و مادی:
- [* یادداشت مترجم: از این نکته به بعد منظور از "بابل" همان "بابلون" است.]
۱. مکاشفه باب ۱۷، یک پرده برداری از بابل مذهبی است - کلیسای کاتولیک رومی:
- (آ) در نظر خدا کلیسای کاتولیک رومی، که مقدار زیادی از یهودیت گرفته، و مقدار زیادی از بت پرستی را جذب کرده، همان بابل است.
- (ب) آن فاحشه در ۱۷: ۱ همان کلیسای کاتولیک رومی مرتد است.
- (پ) چون خدا از کلیسای مرتد بیزار است، در آغاز مصیبت عظیم، خدا باعث خواهد شد که ضد- مسیح و ده پادشاه او کلیسای کاتولیک رومی را نابود کنند - آ. ۱۶-۱۷.
۲. مکاشفه باب ۱۸ یک پرده برداری از بابل مادی است - شهر روم:
- (آ) در مکاشفه ۱۷ و ۱۸ دو جنبه از بابل - جنبه مذهبی و جنبه مادی - باهم مخلوط شده است:
- (۱) آن فاحشه در ۱۷: ۱۶ دلالت دارد بر بابل مذهبی، که نشانگر کلیسای کاتولیک رومی است، در حالی که آن زن در آیه ۱۸ دلالت دارد بر بابل مادی، که نشانگر شهر روم می باشد.

(۲) چون بابل بزرگ دو جنبه دارد، بیرون آمدن از او، بیرون آمدن از هر دو، بابل مذهبی و بابل مادی، است - ۱۸: ۴.

(ب) بابل مادی، شهر روم، در نظر خدا منفور خواهد شد زیرا منشأ هردو، هم سیاست ابلیسی و هم مذهب ابلیسی، بوده است - آ.آ. ۸-۶، ۲۰-۲۴.

(پ) مسیح به عنوان فرشته‌ای دیگر، بر زمین خواهد درخشید تا بابل بزرگ، شهر روم، را با اقتدار عظیم خود، نابود کند - آ.آ. ۱-۲.

پ. اصل بابل مخلوط کردن امور انسان با کلام خدا، و امور مربوط به جسم با امور مربوط به روح است - ۱۷: ۵-۱:

۱. بابل اختلاط امور خدا با امور بتهاست:

(آ) نبودکنصر، پادشاه بابل، خانه خدا در اورشلیم را سوزانید، و تمامی ظروف خانه خدا که برای پرستش خدا بودند را برداشته و آنها را در معبد بت‌های خود در بابل گذاشت - دوم قرن‌تین ۳۶: ۶-۷؛ عزرا ۱: ۱۱.

(ب) در عهد جدید، این اختلاط در بابل بزرگ توسعه یافته است - مکاشفه ۱۷: ۳-۵.

۲. ما باید از هر وضعیتی که در آن، قدرت انسان با قدرت خدا مخلوط شده، توانایی انسان با توانایی خدا مخلوط شده، و عقیده انسان با کلام خدا مخلوط شده، بیرون آییم - ۱۸: ۴، زیرنویس ۱.

ت. بابل بزرگ دو سقوط خواهد داشت - سقوط بابل مذهبی و سقوط بابل مادی - ۱۴: ۸؛ ۱۸: ۲:

۱. سقوط بابل مذهبی در آغاز مصیبت عظیم رخ خواهد داد - ۱۷: ۱۶-۱۷.

۲. سقوط بابل مادی، در پایان مصیبت عظیم رخ خواهد داد - ۱۸: ۲، ۲۱.

۳. ستایش در ۱۹: ۱-۴ بیشتر نه به سقوط بابل مادی بلکه به سقوط بابل مذهبی مربوط است، زیرا در نظر خدا بابل مذهبی منفور تر از بابل مادی است.

ث. خدا بابل را آنقدر داوری خواهد کرد که هیچ چیز از بابل در عالم باقی نخواهد ماند:

۱. هم اشعیا و هم ارمیا نبوت کردند که هنگامی که بابل نابود شود، دیگر بازسازی نخواهد شد - اشعیا ۱۴: ۲۲-۲۳؛ ارمیا ۵۰: ۳۹؛ ۵۱: ۶۲.

۲. وقتی که خدا، هم بابل مذهبی و هم سیاسی را در پایان این عصر داوری می‌کند، این پایان داوری بر بابل که در باب‌های ۵۰ و ۵۱ نبوت شده، است.

۳. بابل بزرگ نابود شده، از زمین برداشته شده، و به دریای آتش افکنده خواهد شد، و اورشلیم نو آورده خواهد شد تا مرکز چشمگیر پادشاهی جاودان خدا در آسمان نو و زمین نو باشد - مکاشفه ۱۱: ۱۵؛ ۲۱: ۲، ۱۰-۱۱.